



کتابخانه مُرده

کارل گدرستروم - پیتر فلمینگ



کارگر مرده

کارل گدرستروم - پیتر فلمینگ

مترجمان: علیرضا اسکندری نژاد - نوشین صفائیان

ویراستار: رضا اسکندری

سرشناسه: سدرستروم، کارل / Cederstrom, Carl
عنوان رسم پدیدام: کارگر مرده / کارل گدرستروم، پیتر فلمینگ [مترجمان] علیرضا اسکندری نژاد، نوشین صفائیان.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۷۶۶۱-۷-۸
یادداشت: عنوان اصلی: Dead Man Working
موضوع: کار و اشتغال --- جنبه‌های روان‌شناسی
Work -- Psychological aspects
موضوع: کیفیت زندگی کاری
Quality of work life
موضوع: فرهنگ سازمانی
موضوع: Corporate culture
شناسه افزودن: فلمینگ، پیتر روبرت. ۱۹۴۴ - م.
Fleming, Peter
شناسه افزودن: اسکندری نژاد، علیرضا. ۱۳۷۶ - م.
مترجم
شناسه افزودن: صفائیان، نوشین. ۱۳۷۶ - م.
مترجم
BF ۴۸۱/۳۲۱۳۶
رده بندی دیویی: ۱۵۸/۷
شابک: ۵۶۵۹۲۸۲

مدیر هنری: بهروز گرگین

چاپ اول: تهران؛ ۱۳۹۸.

کلیه حقوق مادی برای ناشر محفوظ است.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۷۶۶۱-۷-۸

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

فهرست مطالب

- یادداشت مترجمان ۵
- فصل اول: کارگر مرده ۷
- فصل دوم: تنهایی حیات به کار مرده ۲۱
- فصل سوم: بنگاه زیر پوست شهر! ۳۸
- فصل چهارم: حیات مران خود بودن ۵۷
- فصل پنجم: فراموشی موفق ۷۷
- فصل ششم: هیچ بزرگ ۹۵
- بعدالتحریر: یک دختر کوچولو چه چیزی می خواهد! ۱۱۱

یادداشت مترجمان

در معادل قرار دادن کارگر به جای واژه یا اسم مصدر *working* تردیدهایی داشتیم. در ادبیات علمی و فنی علمی جامعه ایران اغلب کارگر را معادل فرد شاغلی قرار می‌دهند که مسئول خدمات یدی مختلف، از کار کارخانه بگیرید تا نظافت و بنایی و غیره، است. در واقع پذیرفتن «کار یدی» به عنوان معرف کارگر و پس زدن «کار فکری» در تعریف آن (اگر بخواهیم با اندکی تساهل از واژگان پولانزاس بهر استفاده کنیم) در مراجعه‌ای که به فرهنگ‌های لغت فارسی داشتیم، متوجه این نکته شدیم که قرائت موجود از این واژه و مدلولی که کارگر به آن پیوند می‌خورد، عمدتاً از معنای و مفهوم آن است و تمام آن نیست. فکر می‌کنیم که دقیق‌ترین وضعیت برای معادل انگلیسی آن نیز صدق می‌کند. بنا به تعریف متنامه‌های فارسی، کار یعنی: «آنچه از شخصی یا شیئی صادر شود، آن چه که کرده شود، پیشه، سعی و جهد و...». در لغت‌نامه‌های انگلیسی نیز *work* را «غایت عمل و فعالیت» تعریف کرده‌اند. در واقع، از این نظر شاید فهم معنای

کارگر آسان‌تر به نظر برسد. مطابق تعریف، کارگر یعنی «کارکننده». «کسی که رنج می‌برد و زحمت می‌کشد». تا حدودی بنا به گستره معنایی واژه کار و کارگر می‌توان ادعا کرد که انتخاب این معادل شاید به بهترین نحو بتواند مقصود نویسندگان را برساند. در واقع مؤلفان اثر، هر شخصی را که در نظم اقتصادی-اجتماعی حاضر مشغول به انجام کاری باشد، کارگر یا worker می‌دانند (تفاوتی ندارد که این فرد کارگر کارخانه‌ای در چین یا فرانسه باشد یا رئیس و نایب رئیس دویچه بانک). اسم مصدر *working* را می‌شد هم به صورت اسم و صفت و هم به صورت فعل ترجمه کرد. بارغ را ساختار عنوان کتاب، که ما را ناگزیر به ترجمه آن به عنوان اسم می‌کرد با توجه به محتوای کتاب می‌توان ادعا کرد که انتخاب نویسندگان برای این ترکیب واژگانی انتخاب هوشمندانه‌ای بوده است. مطابق با آنچه که در کتاب آمده، انسان امروز به «شغلش بدل شده است». در واقع، «مفارقت مشخصی» از آنچه که انجام می‌دهیم و آنچه که هستیم وجود ندارد». کارگر امروز، یعنی تمام انسان‌هایی که مشغول به کار کردن در نظام سرمایه‌داری هستند. «تفاوتی با کار و شغلش است. فعل کار کردن ممیزه ذاتی کارگر شده است» و «تفاوتی (اسم و صفتش) را به واسطه فعلش تعریف می‌کند.